

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیست و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)



هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائینی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)
- علی نهانودی (استاد خارج حوزه علمیه قم)
- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهانودی

دبیر تحریریه:

محمدرضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

صفرعلی اخلاقی

Jurisprudential-Legal Analysis of Photography/Recording of Flagrant and Non-Flagrant Crimes

Mohammad Reza Mahdavi¹

Abstract

One of the jurisprudential questions in the field of social jurisprudence is the subject of recording crimes, whether flagrant or non-flagrant. This issue has become more prominent in recent years, particularly regarding improper hijab and lack of hijab, vehicle violations, public fasting violations, and other religious and legal violations. Therefore, from a jurisprudential and legal perspective, the question arises whether citizens can record the crimes of other members of society? In this writing, using descriptive-analytical method and library sources, this subject has been analyzed from jurisprudential and legal aspects, and considering the possibility of applying various titles to the act of recording crime - such as spreading indecency, violating believer's privacy, destroying their reputation, commanding good and forbidding evil, self-defense in judicial courts, etc. - the application of each of these titles to others has been analyzed and it has been proven that if recording others' crimes is an instance of one of the above titles, the ruling of that title applies to it; but if it is an instance of multiple titles, their rulings conflict with each other and one must refer to the principles of conflict resolution.

Keywords: Crime Recording, Photography, Videography, Flagrant Crime, Non-Flagrant Crime, Spreading Indecency

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیستم و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)

تاریخ دریافت، ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش، ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

واکاوی فقهی - حقوقی تصویربرداری از جرم‌های مشهود و غیر مشهود

محمدرضا مهدوی^۱

چکیده

یکی از پرسش‌های فقهی در حوزه فقه اجتماعی، موضوع تصویربرداری از جرائم مشهود یا غیر مشهود است. این موضوع به‌ویژه در خصوص مسئله بدحجابی و بی‌حجابی، تخلف خودروها، روزه‌خواری علنی و سایر تخلفات شرعی و قانونی، در سال‌های اخیر بروز بیشتری پیدا کرده است. از این‌رو، از نظر فقهی و حقوقی این پرسش مطرح می‌شود که آیا شهروندان جامعه می‌توانند از جرم سایر اعضای جامعه تصویربرداری کنند؟ در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل و بررسی این موضوع از جهت فقهی و حقوقی پرداخته شده است و با توجه به امکان تطبیق عناوین گوناگون بر عمل تصویربرداری از جرم - از قبیل اشاعه فحشا، شکستن حریم مؤمن، از بین بردن آبروی او، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از نفس در محاکم قضایی و ... - تطبیق هر یک از این عناوین بر سایر آنها مورد واکاوی قرار گرفته و اثبات شده است که تصویربرداری از جرم دیگران اگر مصداقی برای یکی از عناوین فوق باشد، حکم همان عنوان به آن سرایت می‌کند؛ اما اگر مصداق برای چند عنوان باشد، احکام آنها با یکدیگر تراحم می‌کنند و باید به مرجحات باب تراحم مراجعه کرد. کلیدواژگان: عکس‌برداری، فیلم‌برداری، جرم مشهود، جرم غیر مشهود، اشاعه فحشا.

مقدمه

بی‌تردید در دنیای مدرن امروزی، مسئله تصویر و تصویربرداری به یکی از شئون زندگی مردم تبدیل شده است و انسان‌ها به گونه‌های مختلف با آن سروکار دارند. ثبت تصاویر اشخاص در فرایندهای اداری و ثبت‌احوال، ثبت تصاویر شهروندان به وسیله دوربین‌های امنیتی و انتظامی، ثبت عکس‌های خبری در رسانه‌ها، تبادل و اشتراک‌گذاری میلیاردها تصویر در شبکه‌های اجتماعی و... همگی جلوه‌های مختلفی از آمیختگی زندگی انسان امروزی با مقوله تصویر و تصویربرداری است که البته در سال‌های اخیر دسترسی آسان به دوربین‌های کوچک دیجیتالی و گوشی‌های مجهز به دوربین، این آمیختگی را بسیار تشدید کرده است؛ چراکه افراد جامعه در موقعیت‌های مختلف به آسانی می‌توانند تصاویر مورد نظر خود را ضبط کنند و به اشتراک بگذارند.

روشن است که هر مسئله‌ای که بیشتر مورد ابتلای جامعه باشد و افراد بیشتری را با خود درگیر کرده باشد، واکاوی ابعاد شرعی آن نیز ضروری‌تر می‌نماید و یکی از ابعاد شرعی عکاسی و فیلم‌برداری، تصویربرداری از جرم‌ها و گناهانی است که در جامعه رخ می‌دهد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که باتوجه به دسترسی آحاد مردم به ابزار تصویربرداری، ممکن است این کار به یک روند معمول در جامعه تبدیل شود و افراد جامعه با انگیزه‌های مختلف به تصویربرداری از جرم‌ها و گناهان دیگران مشغول شوند.

از این رو با قطع نظر از احتمال به وجود آمدن چنین حالتی در جامعه، باید این مقوله را از ابعاد گوناگون بررسی کرد تا آثاری که در جامعه بر جای می‌گذارد و پیامدهایی را که از نگاه شرعی دارد، بازشناخت. تلاش ما در این مقاله، نگاهی فقهی و حقوقی به این مسئله است تا به این پرسش پاسخ دهیم که حکم شرعی تصویربرداری از جرم‌ها و گناهان مشهود و غیرمشهود دیگران چیست؟

نویسنده برای یافتن پاسخ، منابع گوناگونی را جستجو کرده و تطبیق عناوین مختلف را بر این کار مورد بررسی قرار داده است؛ زیرا مسئله تصویربرداری مسئله‌ای نوپیداست که در عصر صدور شریعت هنوز به وجود نیامده تا نصی صریح

درباره آن صادر شود. از این رو برای کشف حکم آن باید انطباق عناوین موجود در شریعت را بر آن بررسی کرد تا حکم تکلیفی آن - اعم از حرمت، وجوب، استحباب، کراهت یا اباحه - یا احکام وضعی مترتب بر آن کشف گردد. برخی از این عناوین عبارت‌اند از: اشاعه فحشا، از بین بردن آبروی مؤمن، نهی از منکر، دفاع در دادگاه و... .

هرچند عناوینی همچون اشاعه فحشا، از بین بردن آبروی مؤمن، نهی از منکر و... پیشینه خوبی در فقه امامیه دارند، اما تا جایی که نویسنده این سطور، جستجو کرده است، درباره تصویربرداری از جرم‌های شهود و غیرمشهود و تطبیقات عنوان‌های مختلف بر آن، هیچ پژوهش فقهی مستقلی انجام نشده و نوشته‌ای وجود ندارد. آری، در مقاله «حق تصویر در مکان عمومی» که از خانم فاطمه ابطحی و دیگران در فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضائی، دوره ۲۶، شماره ۹۳، خرداد ۱۴۰۰، انتشار یافته است، مسئله تصویربرداری در مکان‌های عمومی به طور کلی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله، حق تصویربرداری از افراد، در حوزه حقوق خصوصی ایشان شمرده شده ولی برخی از موارد، از آن استثنا گردیده است. در این مقاله آمده است نظام حقوقی ایران، تصویربرداری بدون تمرکز بر چهره خاص مجاز محسوب می‌شود؛ زیرا این نوع تصویربرداری، تجاوز به حریم خصوصی نبوده و موجب تصرف در حق دیگری نمی‌شود. البته در این مقاله، مسئله تصویربرداری از گناه و جرم دیگران به‌ویژه با نگاه فقهی بررسی نشده و این وجه تمایز این مقاله با نوشتار پیش روست.

همچنین برخی از خبرگزاری‌ها به مناسبت برخی از رخدادها مصاحبه‌هایی را با برخی از حقوق‌دانان درباره این موضوع انجام داده‌اند. از جمله می‌توان به مصاحبه خبرگزاری مهر با آقای مصطفی شمس (جرم‌شناس و کارشناسی مسائل حقوقی) اشاره کرد که در مورخ ۲۶ اسفند ماه ۱۴۰۲ منتشر گردید.^۱ ایشان در این مصاحبه، تصویربرداری از جرم دیگران را از لحاظ حقوقی بررسی کرده و با استناد به مواد مختلف قانونی، اصل را بر عدم جواز تصویربرداری گذاشته است. سپس مواردی را

که جرم مشهودی در ملأعام اتفاق می‌افتد، استثنا نموده است و تصویربرداری از آنها را طبق قانون، جایز می‌شمارد. اما چون مسائل فقهی در حوزه تخصص ایشان نبوده، ایشان نگاه فقهی به این مسئله نداشته و همین موجب تمایز مقاله ما با سخنان ایشان است.

حال باتوجه به اینکه غیر از دو مورد بالا، پژوهش دیگری در این زمینه منتشر نشده است، به نظر می‌رسد این موضوع در نوع خود بدیع است و پیشینه‌ای ندارد و نوآوری این مقاله، در طرح این موضوع و پرداختن به وجوه فقهی و حقوقی آن به صورت مستقل است که در گذشته انجام نشده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تصویربرداری

منظور از تصویربرداری در این پژوهش، ثبت تصاویر ثابت یا متحرک به وسیله دستگاه‌های مخصوص این کار - که به آنها دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری گفته می‌شود - یا گوشی‌های همراه دوربین‌دار است. روشن است که با پیشرفت تکنولوژی در سال‌های اخیر، صنعت تصویربرداری نیز به سرعت پیشرفت‌های بزرگی کرده است و بیشتر مردم جهان می‌توانند حداقل در سطوح غیر حرفه‌ای، تصویربرداری را از سوژه‌های مورد علاقه خود انجام دهند.

۱-۲. جرم مشهود

تعریف فقهی: از آنجایی که مفهوم جرم مشهود در منابع اسلامی فقهی با لفظ مشهود، موجود نبوده و سابقه‌ای ندارد. به حسب اقتضاء مطالعات و تطبیق آن با دیگر عنوان‌ها، مفهوم جرم مشهود را باید با لفظ «معادل» آن جستجو کرد.

با تأمل در تعاریف مختلف فقهی بهترین موارد برای معادل قراردادن واژه جرم مشهود، تجاهر و تظاهر به فسق و گناه است.

تعریف لغوی: فرهنگ ابجدی فارسی - عربی، «تَظَاهَرًا [ظهر]» و «تَجَاهَرًا [جهر]» بالأمَر» را به معنای تظاهر کردن و آشکار کردن آورده است. در قاموس قرآن «جهر» به معنی آشکار شدن و آشکار کردن آمده است، اعم از آنکه به وسیله دیدن باشد یا

شنیدن مثل «يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا» (نحل: ۷۵) که به وسیله شنیدن است و مثل «سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ» (رعد: ۱۰) که به وسیله شنیدن است. پس به این معنا «جهر» هم قولی است و هم فعلی (قرشی، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۷۹).

تعریف اصطلاحی و عام: همان گونه که از عنوان جرم مشهود مشخص است، به معنای هویدا و آشکار بودن است، یعنی جرائمی که درملاءعام اتفاق می افتند، به عبارتی شخص مجرم در مقابل دیدگان مردم دست به ارتکاب عنوان یا عناوین مجرمانه می زند.

تعریف حقوقی: در آیین دادرسی کیفری از نظر مدت فاصله زمانی میان وقوع جرم و کشف آن جرائم به دو دسته مشهود و غیرمشهود تقسیم می شوند ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری بدون اینکه تعریفی از جرایم مشهود ارائه دهد؛ در هفت بند، تنها به ذکر مصادیق آن می پردازد؛ بر طبق این ماده جرم در موارد زیر مشهود است. (ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری)

۱. متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از اتفاق افتادن جرم دستگیر شود.
۲. متهم بلافاصله پس از واقع شدن جرم خود را معرفی کند و همچنین وقوع آن را خبر دهد.
۳. متهم پس از واقع شدن جرم، سریعاً علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یاد شده به متهم محرز گردد.
۴. بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر بر واقع شدن جرم بوده اند؛ حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن شخص مشخصی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.
۵. متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.
۶. در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا ماموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع، مشاهده کنند.
۷. جرم در منزل یا محل سکونت افراد اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد. شخص ساکن در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود ماموران را به منزل یا محل سکونت خود درخواست کند.

همان‌گونه که در تعاریف جرم مشهود بیان شد؛ مراد ما در این تحقیق، همان معنای عام جرائم مشهود است؛ لذا بیان تفصیلی در خصوص تعاریف جرم مشهود بیان نشد؛ زیرا تطبیق این عنوان با عناوین فقهی و معادل‌سازی و همچنین اقسام آن، خود مقاله و پژوهشی جدا می‌طلبد.

۱-۳. جرم غیرمشهود

تعریف اصطلاحی و عام: همان‌گونه که از عنوان جرم غیرمشهود پیداست به معنای جرم مخفی و مستتر است؛ یعنی جرائمی که درملاءعام محقق نمی‌شوند، به عبارتی دیگر شخص مجرم در مقابل دیدگان مردم دست به ارتکاب عنوان یا عناوین مجرمانه نمی‌زند.

تعریف حقوقی: به جرمی گفته می‌شود که به شکل مخفی انجام شده باشد و توسط اشخاص مشاهده نشده باشد. (دانش، ۱۳۹۳ش، ج ۲، ص ۱۰۲) به عبارت دیگر، جرم غیرمشهود به جرایمی گفته می‌شود که از زمان ارتکاب آن مدتی گذشته است و برای اثبات آن به شهود آنی دسترسی نیست. (اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۲۷۹) جرم غیرمشهود، جرمی است که انتساب آن به مجرم، نیاز به اثبات دارد و تا قبل از تشکیل دادگاه و اعلام رأی، صرفاً در حد یک اتهام است.

مراد در این مقاله، همان‌گونه که در تعاریف جرائم مشهود بیان شد؛ معنای اصطلاحی است؛ یعنی همان جرائمی که در انظار عمومی اتفاق نمی‌افتند و فرد در خفا و پنهانی مرتکب آنها می‌شود.

۱-۴. اشاعة فحشا

اشاعة در لغت به معنای فاش کردن، رواج دادن، گسترش دادن و تقویت نمودن است و منظور از فحشا، افعال یا گفتاری است که زشتی آنها بزرگ و آشکار است (خسروی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۶۲).

اشاعة فحشا در اصطلاح، به هرگونه گفتار و کرداری گفته می‌شود که موجب ترویج یا کمک به انتشار گناهان کبیره در بین مؤمنین شود، هرچند که در برخی موارد قصد انتشار در کار نبوده، اما نتیجه‌ای که می‌دهد همان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۴، ص ۴۰۷).

۲. مسئله تفکیک عناوین جرم و گناه

گناه: گناه به معنای نافرمانی از دستورات خدا است. (قرائتی، ۱۳۷۷ش، ص ۷) به سخن دیگر، انجام دادن کاری که خدا از آن نهی کرده یا ترک کاری که به آن امر کرده است. این واژه را معادل واژه‌هایی چون ذنب، معصیت، إثم، سیئه و خطیئه در زبان عربی می‌دانند (قرائتی، ۱۳۷۷ش، ص ۷).

جرم: واژه «جرم» از ریشه عربی (ج ر م) به معنای قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۱۹) این واژه در لغت به معنای گناه و خطا بوده و از جرم به ذنب، إثم، سیئه، عصیان و معصیت نیز تعبیر شده است. همچنین در اصطلاح، عبارت است از هر نوع عملی که در شرع، ممنوع و دارای کیفر دنیوی، همچون حد، تعزیر، قصاص، دیه، کفاره و یا عذاب آخروی می‌باشد؛ خواه در ارتباط با خود مجرم باشد، مانند ترک نماز و روزه و نوشیدن شراب و یا در ارتباط با دیگری، همچون ضرب و جرح و کشتن کسی. بنابراین، جرم در اصطلاح فقهی مرادف معصیت است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۷۴) جرم در اصطلاح حقوقی به فعل یا ترک عملی که بر اساس قانون، قابل کیفر و یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، تعریف شده است. بنابر این، بین تعریف فقهی و حقوقی عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا برخی افعال، از قبیل ترک نماز از منظر فقهی، جرم به شمار می‌روند؛ در حالی که از منظر حقوقی جرم محسوب نمی‌شوند. چنان‌که عکس آن نیز متصور است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۷۴).

همچنین در همایش اجرای حقوق کیفری اسلامی (۱۳۵۵ش)، جرم را «مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد»، تعریف کرده‌اند؛ (ابوالقاسم گرجی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۵۸) اما در حقوق جزا، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم است (صانعی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳).

اشاعه فحشا: اشاعه در لغت به معنای فاش کردن، رواج دادن، گسترش دادن و

تقویت نمودن است و منظور از فحشا، افعال یا گفتاری است که زشتی آنها بزرگ و آشکار است (خسروی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۶۲).

با توجه به بیان تعاریف از واژگان جرم و گناه در می‌یابیم که واژه جرم، عام و دربرگیرنده گناه خواهد بود. در واقع، رابطه میان این دو معنا عموم و خصوص مطلق و گناه اخص از جرم است. برای مثال رفتارهای هنجارشکن در جامعه که شاید حکم فقهی برای آنان وجود ندارد، همچون قوانین راهنمایی و رانندگی که از دایره گناه خارج هستند؛ لیکن جرم تلقی می‌شوند.

پس مراد و مقصود در بیان عنوان جرم مشهود و غیرمشهود اعم از گناه است و عمومیت واژه جرم را می‌طلبد تا از منظر حقوقی نیز این عنوان را مورد بررسی قرار دهیم.

۳. قاعدهٔ اولی

اگر فرض کنیم تصویربرداری ذاتاً حرام است و دلیل خاصی بر حرمت آن دلالت دارد، خودش منکر محسوب می‌شود و نمی‌توان با یک منکر از منکر دیگری نهی نمود. اما با توجه به اینکه تصویربرداری از موضوعات جدید است و نصّ خاصی در مورد آن وجود ندارد؛ کشف حکم آن تابع عناوینی است که بر آن منطبق می‌شود. پس اگر یک عنوان حرام بر آن منطبق شود، حرام و اگر یک عنوان واجب یا مستحب یا مکروه بر آن منطبق شود، حکم همان عنوان را پیدا خواهد کرد. در نتیجه اگر گاهی مصداقی برای نهی از منکر باشد، می‌توان حتی به وجوب آن نیز حکم نمود.

پیش از ورود به بحث اصلی باید دانست که اگر نتوان هیچ یک از عناوین مذکور از جرم را بر تصویربرداری تطبیق داد، باید به اصول عملیه مراجعه کرد؛ زیرا در هر موردی که دست ما از دلیل اجتهادی کوتاه باشد و نتوانیم یک موضوع را تحت عنوانی که حکم آن روشن است، قرار دهیم، باید به سراغ دلیل فقهاتی برویم. اصل عملی در این مورد، برائت شرعی و برائت عقلی (بنابر قول مشهور) از حرمت است.

۴. اقسام تصویربرداری از جرم و بررسی فقهی

به‌طور کلی جرم یا گناهی که از آن تصویربرداری می‌شود، گاهی هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی از آن نهی شده است و گاهی فقط از نظر شرعی و گاه نیز فقط از نظر قانونی، از آن نهی شده است. بحث ما درباره همه این حالت‌هاست و شامل گناه شرعی و جرم قانونی می‌شود. پس این تقسیم فعلاً در بحث ما تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

همچنین جرم یا گناهی که از آن تصویربرداری می‌شود، گاهی جرم غیرمشهود است که به‌صورت مخفیانه انجام می‌شود و یا جرم مشهودی است که به‌صورت علنی و در منظر افراد جامعه رخ می‌دهد. این تقسیم می‌تواند منشأ اثر باشد و حکم را متفاوت کند. از این رو هر یک از این دو قسم را از نظر تطبیق عناوین شرعی بر آنها بررسی می‌کنیم:

۴-۱. تصویربرداری از جرائم غیرمشهود

گاهی شخص در خلوت خود مشغول گناه است و انسانی به‌صورت اتفاقی یا عمدی او را در حال ارتکاب گناه می‌بیند و مشغول تصویربرداری از او می‌شود. آیا چنین کاری جایز است؟ به نظر می‌رسد برای به‌دست‌آوردن حکم این کار باید آن را از جهت تطبیق عنوان‌های مختلف بر آن بررسی کنیم که آیا عناوین اشاعه فحشا، امر به معروف و نهی از منکر، از بین بردن آبروی مؤمن، تجاوز به حریم شخصی مؤمن، گروکشی از مؤمن و... بر این کار صدق می‌کند یا خیر؟ ما در ادامه هر یک از این عناوین را بررسی خواهیم کرد.

۴-۱-۱. اشاعه فحشا

یکی از عناوین حرام، اشاعه فحشا است که در قرآن و روایات بر حرمت آن تأکید شده و عذابی دردناک برای آن وعده داده شده است.^۱ شاید حکمت این حرمت

۱. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور/۱۹). همچنین در روایات شیعه به مصادیق، آثار و بیان احکام مرتبط با اشاعه فحشا، اشارات فراوانی شده است. در روایات، اشاعه کننده فحشا، همچون انجام دهنده آن معرفی شده و ایستادن بر تپه‌ای

بدین جهت باشد که انتشار گناه دیگران در جامعه موجب عادی سازی گناه و میل سایر افراد جامعه به انجام آن می شود.

اینک با فرض این که حرمت اشاعه فحشا را بپذیریم، روشن است که اگر بتوان در مواردی انطباق اشاعه فحشا را بر تصویربرداری ثابت کرد، حکم این عنوان نیز به تصویربرداری سرایت خواهد کرد و حرمت آن ثابت می شود؛ اما صرف تصویربرداری بدون این که تصویربردار، آن را به دیگران نشان دهد یا در فضای مجازی یا حقیقی منتشر نماید، مصداقی برای اشاعه فحشا نیست و تعریف اشاعه بر آن صدق نمی کند، هرچند ممکن است از جهاتی دیگر حرام باشد.

آری، اگر تصویربردار آن تصویر را به قصد اشاعه فحشا در جامعه منتشر کند یا تصویربرداری ملازم با انتشار آن باشد و هرگز قابل انفکاک از آن نباشد - مثلاً به صورت زنده پخش شود و شخص تصویربردار نتواند جلوی انتشار آن را بگیرد - از جهت اشاعه فحشا حرام خواهد بود.

همچنین از نظر حقوقی نیز طبق ماده ۷۴۲ قانون جرایم رایانه ای، هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد، تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. و نیز در مواردی اگر قاضی، فرد اشاعه دهنده را مفسد فی الارض تشخیص دهد، به مجازات اعدام محکوم می کند. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۷۴۲، قانون جرایم رایانه ای)

نیز بر اساس بند الف ماده ۷۴۳، در صورتی که فردی به منظور دستیابی افراد به

➔ از آتش و بیرون شدن از ولایت الهی و شیوع مرض هایی که در پیشینیان نبوده را از پیامدهای آن بیان کرده است. همچنین در این روایات برای اشاعه فحشا زمینه هایی چون ترک امر به معروف و نهی از منکر و افشاء اسرار مؤمنان ذکر شده است. (خویدکی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۳۴)

به عنوان نمونه، از امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده، هر که درباره مؤمنی بگوید آنچه دو چشمش دیده و دو گوشش شنیده، پس او از کسانی است که خداوند درباره آنها فرموده: «همانا برای کسانی که دوست دارند گناه در میان کسانی که ایمان آورده اند رواج یابد، عذابی دردناک در دنیا و آخرت هست. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰۰؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۶۰)

محتویات مستهجن، آنها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دست‌یابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد به مجازات حبس از ۹۱ روز تا یک سال و جزای نقدی محکوم خواهد شد. (پایگاه اطلاع رسانی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، بند الف ماده ۷۴۳، از فصل چهارم قانون جرایم رایانه‌ای) نتیجه آنکه: تصویربرداری از جرم و گناه دیگران می‌تواند از مصادیق اشاعه فحشا باشد. در واقع اگر تصویربرداری به نیت الگو قراردادن و برتری بخشیدن به فحشا باشد، می‌توان از باب اشاعه فحشا آن را حرام دانست.

۲-۱-۴. عناوین آزار مؤمن، اهانت و تحقیر مؤمن، حفظ گناهان و عیب‌های مؤمن

در دین اسلام بر حفظ احترام مؤمن، بسیار تأکید شده است و چیزهایی که با این احترام منافات داشته باشد، تحریم شده‌اند. از جمله این محرمات می‌توان به آزاردادن مؤمن، اهانت و تحقیر او، پوشاندن گناهان و عیب‌های او، هتک حریم او و ازبین‌بردن شخصیت و آبرو و جاهت او اشاره کرد (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۶۴-۲۷۶).

حال به نظر می‌رسد هنگامی که شخصی از گناه مخفیانه دیگران تصویربرداری می‌کند و آن را در معرض دید دیگران قرار می‌دهد، طبیعتاً موجب تحقق یکی از عناوین یادشده خواهد شد و مواردی که موجب هیچ‌یک از آنها نشود، بسیار نادر و کالعدم است. ازاین‌رو اگر در موردی شک کنیم، طبق قاعده «الظنُّ یُلحقُ الشَّیءَ بالأعمِّ الأغلب» که بسیاری از علما آن را قبول دارند، (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۵؛ ایوان‌کیفی، ج ۱، ص ۶۴؛ میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۶۲) باید آن را به موارد غالبی ملحق کنیم.

البته این قاعده مربوط به تشخیص موضوع است؛ یعنی در جایی که نمی‌توانیم تطبیق یک موضوع بر فلان مورد را تشخیص دهیم، از این قاعده استفاده می‌کنیم و آن مورد را به موارد غالبی‌اش ملحق می‌کنیم. پس نباید گمان شود که این قاعده در تراحم با قاعده اباحه و نظیر آن قرار دارد؛ چراکه قواعدی همچون قاعده اباحه مربوط به مرحله حکم‌اند نه موضوع.

پس اگر شخص تصویربردار فقط به عکس برداری یا فیلم برداری بسنده کند و از انتشار آنها جلوگیری نموده و آن را نزد دیگران افشا نکند، هرچند آبروی مؤمن را نزد دیگران از بین نبرده است، ولی به هر حال حریم خصوصی او را هتک کرده است؛ زیرا چه بسا آن فرد مذکور نخواهد که گناه او حتی نزد خود این شخص نیز افشا شود. به بیان دیگر، چنانچه کسی حریم خصوصی مؤمن را بشکند، مرتکب عمل حرام شده است، گرچه نخواهد راز او را نزد دیگران افشا کند. البته اگر آن را افشا کند، گناه آن دوچندان خواهد بود؛ چراکه علاوه بر هتک حریم خصوصی مؤمن و تجسس در کار او، موجب از بین رفتن آبروی نزد دیگران نیز شده است.

همچنین از نظر قانونی نیز در صورتی که به هر وسیله‌ای از جمله نشریات و تصویربرداری و فضاهای مجازی و غیره به نشر متون و عکسی از فردی پردازیم غیرقانونی بوده و باید با سند و مدرک آن را ثابت کنیم در این صورت طبق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.

همچنین قوانینی برای جلوگیری از افشا وجود دارد از جمله غیرقانونی بودن تجسس در مکان‌های شخصی افراد بدون حکم حکومتی و اینکه کسی حق تصویربرداری از درون خانه شخصی و مکان‌های شخصی او را ندارد و این موضوع جرم‌انگاری شده است و این موضوعات را می‌توان در اصل‌های ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ قانون اساسی مشاهده و جستجو کرد.

۳-۱-۴. عنوان گروکشی از مؤمن

یکی از عناوینی که در روایات مروی از اهل بیت علیهم‌السلام از آن نهی شده است، این است که انسان گناه و خطایی را از مؤمنی حفظ کند تا روزی آن را علیه او به کارگیرد.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حَدِيفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام شَيْءٌ يَقُولُهُ النَّاسُ عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ. فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ يَذْهَبُونَ، إِنَّمَا غَنَى عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَزِلَّ زَلَّةً، أَوْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ يُعَابُ عَلَيْهِ، فَيَحْفَظَ عَلَيْهِ لِيُغَيِّرَهُ بِهِ يَوْمًا مَا» (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷).

حذیفه بن منصور گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم؛ مردم همواره بر زبان دارند که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است (آیا مراد همان عورت مشهور است؟) امام فرمود: این معنا که در ذهن مردم است (آلت تناسلی) مراد نیست؛ بلکه مراد این است که اگر مؤمن عیبی یا لغزشی داشت و کسی نمی‌دانست یا حرفی زده بود که برای او عیب است؛ شخصی بر آن دسترسی پیدا می‌کند و آن را حفظ می‌کند و در ذهن نگه می‌دارد، تا یک روز آبرویش را ببرد.

۲. بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ عَوْرَةِ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ. فَقَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ أَغْنَى سُفْلِيهِ. فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَا عَاةُ سِرِّهِ» (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷).

از عبدالله بن سنان (نقل شده است که) گفت: خدمت امام جعفر صادق عليه السلام اظهار داشتم: آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام و ناخوشایند است؟ فرمود: بلی. گفتم: آیا منظور از عورت، عقب و جلوی اوست؟ فرمود: آن‌طور که فکر می‌کنی نیست، بلکه فاش کردن اسرار اوست.

۳. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي عَوْرَةِ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ، قَالَ: «لَيْسَ أَنْ يَنْكَشِفَ فَيَرَى مِنْهُ شَيْئًا، إِنَّمَا هُوَ أَنْ يَزِرِّي عَلَيْهِ أَوْ يَعِيبَهُ» (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷).

زید شحام از امام صادق عليه السلام در باره فرموده آن بزرگوار: «عورت مؤمن بر مؤمن حرام است» روایت نموده که فرمود: مقصود آن نیست که مؤمن برهنه باشد و مؤمن دیگر، جزئی از بدن وی را ببیند، بلکه مقصود آن است که به زیان او داستانی بگوید. روشن است که این کار نیز گاهی بر تصویربرداری از جرم و گناه دیگران صدق می‌کند و موجب حرمت آن می‌شود.

۴-۱-۴. عنوان دفاع

از آنچه گذشت، دانستیم که حرمت تصویربرداری از گناهان و جرم‌های پنهانی دیگران قابل تردید نیست و عنوان‌های محرم مختلفی بر آن انطباق پیدا می‌کند؛ اما گاهی عنوان دیگری وجود دارد که این حرمت را از بین می‌برد. مثلاً گاهی ممکن است انسان برای دفاع از خود در دادگاه ناچار باشد از جرم دیگران تصویربرداری کند تا خودش گرفتار نشود.

مثلاً در برخی از روایات آمده است که اگر کسی به منزل خود وارد شود و همسرش را مشغول زنا ببیند، می‌تواند همسر و آن شخص زانی را بکشد. البته اگر نتواند در دادگاه ثابت کند، قصاص می‌شود، ولی گناهی بر او نخواهد بود. (عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸۲، ص ۱۴) حال اگر کسی از این عمل شنیع تصویربرداری کند تا بتواند در دادگاه از آن استفاده کند و خود را از قصاص برهاند، کار او اشکالی نخواهد داشت. در اینجا نیک است که به مسئله تصویربرداری از نظر حقوق و قانون نیز نگاهی داشته باشیم.

به لحاظ قانون ایران هیچ کاری جرم نیست؛ مگر آنکه بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی برای آن مجازات پیش بینی باشد؛ (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) اما به موجب قانون‌های مقرر در ایران از جمله قانون سمعی و بصری و ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی، در سه مورد ضبط فیلم از دیگران کاملاً ممنوع است و انجام آن جرم به حساب می‌آید و مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت: ضبط فیلم از حریم خصوصی اشخاص، ضبط فیلم از استحکامات نظامی و امنیتی، ضبط فیلم و ارسال آن برای خارجی‌ها و اتباع بیگانه و دولت‌های خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران. (ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی)

همچنین در خصوص استناد به فیلم و تصاویر در دادگاه، باید دانست که: قانون‌گذار از تمامی دلایل اعم از شهادت، اقرار، سند و... تحت عنوان دلایل اثبات دعوی نام برده است. علاوه بر این دلایل علم قاضی هم در قوانین از جمله دلایل اثبات دعوی به شمار می‌رود.

بر اساس دلیل اخیر هر چیزی که در ایجاد آگاهی و علم قاضی مبنی بر وقوع

جرم یا حادثه کمک کند، قابل استناد خواهد بود. عکس، صدا و فیلم هم در صورتی که در ایجاد علم در قاضی منوط به موضوع پرونده قضایی کمک کند، ممکن است مورد استناد واقع گردد.

ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی چنین مقرر داشته است که: «در کلیه امور حقوقی، دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام خواهد داد». (ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی)

۵-۱-۴. عنوان نهی از منکر

یکی از واجبات مسلم در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است.^۱ حال آیا می‌توان تصوّر کرد که گاهی تصویربرداری از گناه دیگران مصداق نهی آنان از آن گناه باشد؟ یا حتی متصور شد که این کار موجب دفع گناه می‌شود؟ به نظر می‌رسد که چنین چیزی ممکن است؛ چراکه برخی از افراد اگر بدانند که مدرکی بر علیه آنان تهیه خواهد شد یا مدرکی وجود دارد، هرگز به انجام یا تکرار گناه مبادرت نمی‌کنند و حتی جلوگیری از ارتکاب گناه نیز خواهد شد.

پس گاهی ممکن است تصویربرداری به جهت انطباق عنوان نهی از منکر بر آن واجب باشد، ولی روشن است که این در صورتی است که شرایط نهی از منکر رعایت شده باشد. مثلاً ابتدا تذکر لسانی و روش‌های دیگر آزموده شده باشد و تنها راه ممکن تصویربرداری از جرم او باشد. البته شاید بتوان تصویربرداری از جرم را یکی از مصادیق استفاده از زور و قدرت برای نهی از منکر دانست که در این صورت استفاده از زور و قدرت، طبق مبنای بسیاری از فقها، به اجازه از حاکم شرع نیاز دارد.

نکته حائز اهمیت آن است که توجه داشته باشیم که تصویربرداری به قصد نهی از

۱. این واجب در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است. از جمله: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (توبه: ۷۱) و «.....وَهُمْ يَسْجُدُونَ * يَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (ال عمران: ۱۱۳-۱۱۴).

منکر، موجب اشاعه فحشا و عادی سازی گناه در اذهان عمومی جامعه نشود که این کار موجب نقض غرض است. روشن است در صورت توجه نکردن به این نکته، این کار تبعات سنگینی دارد و باعث گناهان بسیار بیشتری خواهد شد که حرمت این کار را قطعی می سازد؛ فلذا در این خصوص فرد باید دقت لازم و تامل کافی را داشته باشد.

شرایطی که موجب وجوب امر به معروف و نهی از منکر می شود، عبارت اند از:

۱. فرد آمر به معروف باید علم بر وجوب یا علم بر حرمت فعل انجام شده داشته باشد. یعنی آمر به معروف و ناهی از منکر، معروف و منکر را بشناسد.
۲. تأثیر امر و نهی، در انجام معروف و ترک منکر محتمل یا معلوم باشد.
۳. امر به معروف و نهی از منکر مفسده و خوف بر جان و مال به دنبال نداشته باشد.

۴. لازم است امر و نهی کننده بداند که شخص بر گناهش باقی است. پس اگر دانست که وی گناهش را ترک نموده و تکرار نخواهد کرد، امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نخواهد بود. یعنی اگر نهی از منکر نشود منکر ادامه پیدا کند.
۵. باعث تجسس در رفتار دیگران نشود.

۶. برخورد با گنهکار دارای ضرر و مفسده ای برای امر و نهی کننده یا خویشان و برادران دینی اش نداشته باشد، مگر معروف و منکر از اموری باشند که شارع مقدس اهتمام ویژه ای نسبت به آنها دارد؛ مانند حفظ اسلام و شعائر آن و امنیت جان و ناموس مسلمانان، بنابر این اگر شعائر اسلامی یا جان عده ای از مسلمانان در معرض خطر و نابودی باشد، باید اصل اهم و مهم مورد توجه قرار گیرد و صرف ضرر دیدن موجب سقوط وظیفه نمی شود.

۲-۴. تصویربرداری از جرم مشهود

اینک نوبت به آن رسید که تصویربرداری از گناهان و جرم های مشهود را از نظر شرعی و حقوقی بررسی نماییم. گاهی اشخاص به گونه ای در منظر دیگران مرتکب گناه یا جرم می شوند که عرفاً به جرم ایشان «جرم مشهود» گفته می شود؛ یعنی از آشکار کردن آن ابایی ندارند و جرم او برای افراد غیر مرتبط با او به آسانی

قابل مشاهده است. مثلاً در کوچه یا خیابانی که محل عبور و مرور مردم است، آن را انجام می‌دهد.

آیا تصویربرداری از چنین گناه و جرمی شرعاً جایز است؟ به نظر می‌رسد برای کشف این حکم نیز باید انطباق عناوین شرعی را بر این عمل نیز بررسی کنیم:

تطبیق عنوان اشاعه فحشا

با فرض پذیرش حرمت اشاعه فحشا، همان‌طور که ما در تطبیق عنوان اشاعه فحشا و تصویربرداری از جرائم غیرمشهود ذکر کردیم، صرف تصویربرداری بدون این‌که تصویربردار، آن را به دیگران نشان دهد یا در فضای مجازی یا حقیقی منتشر نماید، مصداقی برای اشاعه فحشا نیست و تعریف اشاعه بر آن صدق نمی‌کند.

آری، اگر تصاویر ضبط شده را به نیت اشاعه فحشا و عادی کردن گناه در جامعه در فضای حقیقی یا مجازی منتشر نماید، حرام است و از جهت قانونی با ایشان طبق ماده ۷۴۲ قانون جرائم رایانه‌ای برخورد خواهد شد؛ اما ممکن است گاهی انتشار تصاویر به قصد نهی از منکر باشد. مثلاً شخص گنهکار یا مجرم را با زبان نهی کرده و او توجّهی نکرده است و در نتیجه هیچ راهی جز نهی او به وسیله انتشار تصاویر عمل مجرمانه او باقی نمانده است. در اینجا حرمت اشاعه فحشا با وجوب نهی از منکر تراحم پیدا می‌کند. پس باید دید اهمیت کدام یک از آنها بیشتر است.

به نظر می‌رسد با توجه به این‌که هدف از نهی از منکر این است که شخص گنهکار از گناه خود دست بردارد، نمی‌توان به وسیله انتشار تصاویر گناه او کاری کرد که افراد بیشتری به آن گناه آلوده شوند و گناه برایشان عادی شود؛ زیرا این کار موجب نقض غرض است و غرض از نهی از منکر را خراب می‌کند. پس در این تراحم، حرمت اشاعه فحشا مقدم می‌شود و باید آن را رعایت کرد.

تطبیق عناوینی همچون آزار مؤمن، اهانت و تحقیر مؤمن، حفظ گناهان و عیب‌های مؤمن همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، در دین اسلام بر حفظ احترام مؤمن بسیار تأکید شده است و چیزهایی که با این احترام منافات داشته باشد، تحریم شده‌اند. از جمله این محرمات می‌توان به آزار دادن مؤمن، اهانت و تحقیر او، حفظ گناهان و عیب‌های او، هتک حریم او و از بین بردن شخصیت و آبرو و وجاهت او اشاره کرد. پس

در صورتی که تصویربرداری از جرم‌های مشهود بتواند مصداقی برای این امور قرار بگیرد، طبیعتاً حکم آنها را نیز پیدا خواهد کرد.

اما روشن است که این عناوین غالباً در مورد کسی که عمداً درملاءعام مرتکب گناه و جرم می‌شود، صدق نمی‌کنند؛ زیرا کسی که از روی علم و عمد در منظر عموم جامعه جرمی را مرتکب می‌شود، از دیده‌شدن جرم و گناه خود هراسی ندارد و آبرو و شخصیت خود را از این جهت در خطر نمی‌بیند. پس وقتی خود او در صدد مستور کردن گناه خود نیست و حریمی برای خویش قائل نمی‌شود، چگونه می‌توان تصویربرداری از جرم او را مصداق هتک حریم او و بردن آبروی او به شمار آورد؟! به‌ویژه اگر این تصویربرداری به قصد نهی از منکر یا سایر عناوین واجب باشد.

آری، ممکن است برای کسی دیده‌شدن گناهش به وسیله یک عده محدود مشکلی نداشته باشد، ولی انتشار آن در سطح کل جامعه یا فضای مجازی، نامطلوب باشد یا اصلاً تصویربرداری برای او خوشایند نباشد. روشن است که در این موارد، تصویربرداری از او جایز نیست، مگر این که عنوان مهم‌تری بر آن صدق کند.

تطبیق عنوان گروکشی از مؤمن

یکی از عناوینی که در روایات مروی از اهل بیت علیهم‌السلام از آن نهی شده است، این است که انسان گناه و خطایی را از مؤمنی حفظ کند تا روزی آن را علیه او به کار گیرد. به نظر می‌رسد انطباق یا عدم انطباق این عنوان نیز همچون عنوان قبلی است؛ یعنی فقط در صورتی ممکن است که عنوان مهم‌تری در اینجا صدق نکند.

تطبیق عنوان دفاع

دانستیم که حرمت تصویربرداری از گناهان و جرائم پنهانی دیگران، قابل تردید نیست و عنوان‌های محرم مختلفی بر آن انطباق پیدا می‌کند؛ اما در خصوص دفاع از خود چه در جرائم مشهود چه غیرمشهود مسئله کمی متفاوت است. در جرائم مشهود شما کاملاً آزاد خواهید بود تا جرائم را برای دفاع از خود و دیگران منتشر نمایید. در واقع در جرائم مشهود، شما به نحو احسن اجازه انتشار تصاویر و مدارک را برای دفاع از خود در مقابل تهمت‌ها و دروغ‌هایی که به شما نسبت داده می‌شود را دارید.

به استناد قانون: قانون‌گذار از تمامی ادله اعم از اقرار، شهادت، سند و... تحت عنوان دلایل اثبات دعوی نام برده است. علاوه بر این ادله، علم قاضی نیز در قوانین از جمله دلایل اثبات دعوی به شمار می‌رود.

بر اساس دلیل اخیر هر چیزی که در ایجاد آگاهی و علم قاضی مبنی بر وقوع جرم یا حادثه کمک کند، قابل استناد خواهد بود. عکس، صدا و فیلم هم در صورتی که در ایجاد علم در قاضی منوط به موضوع پرونده قضایی کمک کند، ممکن است مورد استناد واقع گردد.

﴿لَا يَجِبُ لِلَّهِ الْجَهْرُ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً﴾ (نساء:

۱۴۸).

نتیجه آن است که: برای دفاع از خود می‌توان از تمامی اسناد و مدارک موجود استفاده کرد و در این صورت، انتشار، نه از جهت شرعی، گناهی متوجه فردی که اسناد را ارائه داده است می‌کند و نه از جهت قانونی، منعی برای فرد وجود دارد و این حکم به صراحت از آیه بالا برداشت می‌شود. همچنین متوجه کردن قاضی نسبت به ابعاد موضوع بحث امری پسندیده؛ بلکه واجب است.

تطبیق عنوان نهی از منکر

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد تصویربرداری از جرائم غیرمشهود یا مشهود می‌تواند تحت عنوان نهی از منکر قرار گیرد فلذا مسئله مشروع بودن یا نبودن آن نیاز به تفصیل بیشتری دارد.

تصویربرداری از جرائم مشهود، از آن وجه، تحت عنوان نهی از منکر قرار خواهد گرفت که ناهی از منکر به قصد و نیت جلوگیری از گناه تصویربرداری را انجام دهد تا فرد مجرم متوجه شود که مدرکی بر علیه او تهیه خواهد شد یا مدرکی وجود دارد؛ تا هرگز به انجام یا تکرار گناه، مبادرت نکند.

همچنین نهی از منکر، همان‌طور که در گفتار اول مورد بحث قرار گرفت دارای شرایط و ضوابط خاص بود و هرگونه عملی در این عنوان خارج از شرایط و ضوابط آن نامشروع بوده و به‌خودی‌خود حرمت می‌آورد.

پس می‌توان نتیجه گرفت تصویربرداری از جرائم مشهود برای نهی از منکر تابع

نیت شخص و نوع استفاده از مدارک به‌دست‌آمده است. اسناد و مدارک به‌دست‌آمده

می‌تواند در زمینه‌های حرام مورد استفاده قرار گیرد یا در جهت مصالح جامعه و خود شخص مورد استفاده قرار گیرد، پس اگر تصویربرداری در چهارچوب شرایط و ضوابطی که در گفتار اول در خصوص نهی از منکر بیان شد باشد، عملی مشروع بوده و می‌توان در شرایطی حکم به وجوب آن صادر کرد و در غیر این صورت تصویربرداری می‌تواند عملی نامشروع چه در قانون و چه در شریعت اسلامی باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:

۱. اگر کسی از جرائم و گناهان غیرمشهود دیگران که مخفیانه انجام می‌دهند، تصویربرداری کند، این کار از جهت تجسس در زندگی دیگران، آزار مؤمن، اهانت و هتک حریم او و گروکشی از مؤمن، ممکن است حرام باشد؛ ولی صرف تصویربرداری تا وقتی در جامعه منتشر نشده است، اشاعه فحشا شمرده نمی‌شود.
۲. تصویربرداری از گناهان و جرم‌های دیگران در صورتی که به قصد استفاده از آنها در دفاع از نفس باشد، اشکالی ندارد؛ یعنی اگر کسی احتمال دهد که در آینده ممکن است در دادگاه متهم شود و بتواند با تصویربرداری از گناه دیگران از خودش رفع اتهام کند، می‌تواند این کار را انجام دهد، به شرط آن‌که بقیه شروط آن - مانند حفظ تصاویر از نگاه مردم عادی و عدم انتشار آنها و... - را رعایت نماید.
۳. در صورتی که تصویربرداری از گناه دیگران به قصد نهی ایشان از منکر باشد، اشکالی ندارد؛ اما به شرط آن‌که نقض غرض نشود؛ یعنی اگر کسی به صرف تصویربرداری از او منکر را ترک کند، می‌توان با تصویربرداری از او زمینه ترک گناه او را فراهم کرد؛ اما اگر صرف تصویربرداری کافی نباشد و انتشار تصاویر گناه او در جامعه هم لازم باشد و انتشار آنها مستلزم اشاعه فحشا یا عادی شدن جرم باشد، روشن است که چنین کاری جایز نیست؛ زیرا غرض از نهی از منکر باید کم شدن گناه باشد نه فراگیر شدن آن. پس نمی‌توان با وسیله‌ای که خودش موجب اشاعه منکر است، نهی از منکر کرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ایوان کیفی، محمدتقی بن عبدالرحیم، (بی تا)، *هدایة المسترشدين فی شرح معالم‌الدین*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث.
 ۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۲ ش)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات میزان، چاپ بیست و نهم.
 ۳. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش.
 ۴. حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم، (۱۴۰۴ ق)، *الفصول الغروية فی الأصول الفقهية*، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیة.
 ۵. حرّ عاملی، محمد ابن الحسن، (۱۴۱۶ ق)، *وسائل الشیعه*، قم: آل‌البیت.
 ۶. حلی، جعفر بن حسن، معروف به «محقق»، (۱۴۱۲ ق)، *نکت النهایة - النهایة و نکتها*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۷. خسروی، غلامرضا، (۱۳۷۴ ش)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران: مرتضوی.
 ۸. خویدکی، شرف‌الدین، (۱۳۸۸ ش)، *کاشف الأستار*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
 ۹. دانش، حفیظ الله، (۱۳۹۲ ش)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، کابل: انتشارات سیرت.
 ۱۰. صانعی، پرویز، (۱۳۷۷ ش)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش.
 ۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، *کتاب العین*، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، قم: مؤسسه دار الحجة.
 ۱۲. قانون آیین دادرسی
 ۱۳. قانون مجازات اسلامی
 ۱۴. قرائتی، محسن، (۱۳۷۷ ش)، *گناه‌شناسی*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 ۱۵. قریشی، سید علی اکبر، (۱۳۶۴ ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ ش)، *الکافی*، تهران: کتب الاسلامیه.
 ۱۸. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵ ش)، *مقالات حقوقی*، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۲ ش)، *تفسیر نمونه*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۰. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، (۱۴۳۰ ق)، *القوانين المحکمة فی الأصول* / طبع جدید، قم: احیاء الکتب الاسلامیه.
 ۲۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۵-۱۳۹۲ ش)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم السلام*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم السلام.